

Essential Tips on Death Certificate and Burial Permission



Corresponding author:
Alireza Ghassemi Toussi: MD

Email: GhassemiTa94@mums.ac.ir

نویسنده مسئول: دکتر علیرضا قاسمی طوسی:

Alireza Ghassemi Toussi,

علیرضا قاسمی طوسی^۱

^۱ فلوشیپ سهرشناسی و مسمویت‌ها، متخصص پزشکی قانونی، دانشگاه علوم پزشکی شهید، مشهد، ایران

How to cite this article: Ghassemi Toussi A. Essential Tips on Death Certificate and Burial Permission. *J Mashhad Med Coun* 2018;21:94-6.

چه مواردی پزشک مجاز به صدور گواهی فوت نیست؟ نکته بسیار مهمی که بسیار مورد سؤال همکاران قرار می‌گیرد این است که آیا پزشکان می‌توانند برای هر بیمار فوت شده گواهی صادر کنند؟

پاسخ به این سؤال مثبت است. بی‌شک هرگاه کلیه علائم مرگ قطعی که شامل از بین رفتن کامل حس و حرکت، توقف ضربان قلب و تنفس، مردمک‌های کاملاً متسع بدون واکنش به نور محرز گردد، پزشک موظف به صدور گواهی فوت می‌باشد.

در چه مواردی پزشک مجاز به صدور جواز دفن نیست؟

در موارد زیر پزشک اجازه صدور جواز دفن را ندارند؛

۱- مرگ با علت نامشخص و مبهم (علی‌رغم اقدامات تشخیصی و درمانی)؛

۲- مرگ‌های ناگهانی و غیر قابل توجیه؛

۳- مرگ ناشی از حوادثی مانند تصادفات و سقوط از ارتفاع (به هر شکل و با هر فاصله زمانی از حادثه که مرگ رخ دهد)؛ برای نمونه عابری بر اثر برخورد با اتومبیل دچار شکستگی درمپره‌های ستون فقرات و آسیب نخاع و در نتیجه فلج اندام تحتانی و بی‌اختیاری ادرار و مدفوع شده و در نهایت پس از ۶ ماه به دلیل زخم بستر فوت نموده است. با توجه به اینکه عامل اصلی فوت تصادف با اتومبیل است و از این رویداد شکایت شده است، پزشک مجاز به صدور جواز دفن نیست)؛

در این مقاله به بررسی دو اصطلاح "گواهی فوت" و "جواز دفن" و تفاوت این دو مفهوم می‌پردازیم. در گواهی فوت، پزشک تصدیق می‌کند که فردی به دلیلی فوت کرده است، یعنی؛ پزشک از طریق صدور گواهی فوت تنها مرگ فرد خاصی از افراد جامعه را اعلام می‌کند. در حالی که جواز دفن، مجوزی برای خاکسپاری متوفی می‌باشد و صرفاً با اخذ این مجوز می‌توان متوفی را به خاک سپرد.

به بیان دیگر، مجوز قانونی جهت دفن کسی که فوت شده است جواز دفن می‌باشد و نه گواهی فوت. در حقیقت، گواهی فوت تنها بیان‌کننده فوت یک فرد است ولی جواز دفن مجوز خاکسپاری آن فرد است.

در حال حاضر دو نوع دفترچه گواهی فوت وجود دارد؛

الف: مرده‌زایی و مرگ نوزاد تا ۷ روز

ب: موارد فوت بالای ۷ روز

دریافت دفترچه گواهی فوت توسط پزشکان شاغل در بخش خصوصی منوط به گذراندن برنامه بازآموزی صدور جواز دفن است. لکن این مهم در بیمارستان‌های دولتی اجرا نمی‌شود و دفترچه فوق به راحتی در اختیار کلیه افرادی که دوره فوق را نگذرانده‌اند، قرار می‌گیرد. شایسته است که تمامی مراکز درمانی؛ خصوصی و دولتی، به منظور آشنایی با قوانین بدروز و مسائل حقوقی مرتبط با رشته پزشکی؛ به خصوص صدور گواهی فوت، اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی کنند.

نکات ضروری در صدور گواهی فوت و جواز دفن

- ۲۲- نوزادکشی؛
- ۲۳- مرگ متعاقب کودک آزاری؛
- ۲۴- مرگ در حین یا به دنبال اعمال جراحی، بیهوشی یا بی‌حسی موضعی (در اینجا لازم است به این نکته اشاره کرد که مرگ‌های مرتبط با بیهوشی و عوارض ناشی از آن می‌تواند مدتی پس از عمل جراحی رخ دهد)؛
- ۲۵- مرگ در حین یا به دنبال اقدامات تشخیصی- درمانی تهاجمی مانند تست ورزش، آندوسکوپی، برونکوسکوپی، آنژیوگرافی، تصویربرداری با مواد حاجب؛
- ۲۶- هر مرگی که احتمال قصور پزشکی در آن وجود داشته باشد؛
- ۲۷- مرگی که در آن امکان شکایت از فردی مطرح باشد، برای نمونه: الف- در اثر مجادله میان دو فرد کینسال، یک نفر از طرفین دچار سینه درد و سکت قلبی شده و در بیمارستان فوت کرده است. در این رویداد احتمال شکایت از سوی خانواده متوفی وجود دارد. ب- کارگری از داربست سقوط و جان خود را از دست داده است. جواز دفن توسط پزشک صادر شده است. پس از گذشت مدت زمانی از مرگ کارگر مذکور، خانواده متوفی از کارفرمای وی در خصوص فراهم نبودن وسایل حفاظتی شکایت می‌کنند. از سوی دیگر، کارفرما برای فرار از اتهام و پرداخت دیه مدعی می‌شود که متوفی در زمان کار از حشیش استفاده کرده یا تحت تأثیر مصرف مواد مخدر و الکلی بوده است و در نتیجه تنها کارگر فوت شده در سقوط و مرگ خود مقصر بوده است. در این صورت اگر جسد در زمان مرگ فرد به
- ۴- مرگ ناشی از حوادث کار و نیز مرگ در محل کار؛
- ۵- مرگ ناشی از بیماری‌های شغلی (امکان این امر وجود دارد که از کارفرمای متوفی شکایت شود)؛
- ۶- مرگ در معابر و مجامع عمومی؛
- ۷- مرگ به سبب حوادث ورزشی (مرگ حین یا متعاقب ورزش)؛
- ۸- مرگ مرتبط با حوادثی مانند سرمازدگی و گرمزدگی؛
- ۹- مرگ ناشی از حوادث و بلایای طبیعی مثل زلزله، سیل و طوفان؛
- ۱۰- مرگ‌های دسته جمعی مانند سقوط هواپیما و غرق شدن کشتی؛
- ۱۱- مرگ ناشی از درگیری و هر مرگی که نشانه‌های خشونت در آن دیده شود؛
- ۱۲- مرگ ناشی از مسمومیت مانند مسمومیت با مونوکسید کربن، سموم شیمیایی، مواد مخدر، داروها و غیره (مسمومیت در اثر حوادث شغلی، مواد آلاینده محیط کار و ...)
- ۱۳- مرگ ناشی از چاقو خوردگی و اصابت کلوله (سلاح سرد و گرم)؛
- ۱۴- مرگ‌های متعاقب خودکشی؛
- ۱۵- مرگ ناشی از برق گرفتگی؛
- ۱۶- مرگ ناشی از صاعقه زدگی؛
- ۱۷- مرگ ناشی از سوختگی؛
- ۱۸- مرگ ناشی از خفگی‌ها؛
- ۱۹- مرگ ناشی از ازدحام جمعیت؛
- ۲۰- مرگ ناشی از غرق شدگی؛
- ۲۱- مرگ در نتیجه تجاوزات جنسی؛

پزشکی قانونی ارجاع داده می‌شد و تحت بررسی‌های سم‌شناسی قرار می‌گرفت، هرگز این مشکل پیش نمی‌آمد.

۲۸- مرگی که متعاقب آن احتمال شکایت از کادر درمانی وجود دارد؛ در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که یکی از عوامل مهمی که در طرح شکایت، می‌تواند از پزشک حمایت کند، معاینه جسد و کالبدگشایی توسط سازمان پزشکی قانونی است. لذا اگر پزشکی احتمال می‌دهد که در خصوص فوت بیمار از وی شکایت خواهد شد بهتر است از صدور جواز دفن سرباز زده و جسد را به سازمان پزشکی قانونی ارجاع نماید.

۲۹- مرگ در اسارت، زندان، اردوگاه، پادگان، بازداشتگاه، پرورشگاه، آسایشگاه، مهمانسرا و هتل‌ها؛

۳۰- مرگ حین درگیری با نیروهای انتظامی؛

۳۱- فوت افراد نظامی و انتظامی در حال خدمت؛

۳۲- مرگ در اغتشاشات و درگیری‌های خیابانی؛

۳۳- مرگ ناشی از اقدامات تروریستی؛

۳۴- مرگ مادر باردار؛

۳۵- مرگ مادر متعاقب سقط جنین جنایی؛

۳۶- هر مرگی که احتمال جنایت در آن باشد؛

۳۷- مرگ مرتبط با عوارض مصدومیت ناشی از جنگ مانند فوت افراد جانباز و معلولین جنگی حتی اگر سال‌ها پس از پایان جنگ رخ دهد (به منظور بررسی ارتباط بین صدمات ناشی از جانبازی و فوت فرد و پرداخت مستمری به بازماندگان و یا استفاده از سایر مزایای خانواده شهید)؛

۳۸- فوت اتباع خارجی (البته با توجه به تعداد زیاد مهاجران افغانی به ایران و حضور بلندمدت آن‌ها و همچنین به دلیل اوضاع نابسامان کشور افغانستان، در برخی مواقع برای متوفیان افغانی جواز دفن صادر می‌شود)؛

۳۹- صدور گواهی فوت بدون معاینه دقیق جسد (در مواردی که با صحنه‌سازی، قتل و جنایتی به صورت یک مرگ طبیعی نشان داده شده است، در صورت عدم معاینه جسد توسط پزشک ممکن است جنایت پنهان بماند. در این شرایط پزشک صادرکننده جواز دفن تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت)؛

۴۰- وجود هرگونه تناقض در اظهارات همراهان متوفی یا یکدیگر و نیز با اطلاعات کسب شده از معاینه جسد یا سایر مدارک موجود. برای مثال همراهان متوفی مدعی هستند که وی حدود دو ساعت قبل فوت کرده است، در حالی که با معاینه جسد و استقرار کامل جمود نعشی و سایر نکات، مشخص شود که مرگ مربوط به روز گذشته بوده است؛

۴۱- رفتار مشکوک، اصرار غیرمعتدل، تناقض‌گویی و تعجیل بیش از حد همراهان و پیشنهاد ویزیت غیر معقول؛

۴۲- هر نوع مرگ افراد ناشناس و مجهول‌الیهویه یا مرگ فردی که مدارک هویت معتبر وی در دسترس نباشد.

باید توجه داشت که هیچگونه شرط زمانی برای صدور جواز دفن از نظر مدت زمان حضور بیمار تا فوت وی در مرکز درمانی وجود ندارد. برای مثال فردی با درد قفسه صدری به مرکز درمانی مراجعه می‌کند. سابقه سکته قلبی را در سال قبل داشته است و در آنژیوگرافی که قبلاً انجام گرفته، آنژیواسکلروز شدید عروق کرونر مشهود است. همچنین، در دفترچه بیمه بیمار تجویز داروهای قلبی در دفعات مکرر دیده می‌شود.

در نوار قلبی انجام شده (در هنگام ورود بیمار به مرکز درمانی) علائم سکته حاد قلبی مشهود بود. در صورت عدم وجود موانع قانونی که در بالا بیان شد، حتی اگر فاصله زمانی بین ورود بیمار تا فوت وی تنها چند دقیقه باشد، پزشک می‌تواند برای این بیمار جواز دفن صادر نماید.

بنابراین، اگر فردی تنها چند دقیقه پس از مراجعه و ورود به مرکز درمانی فوت کرد و پزشک معالج ضمن رعایت همه نکات ذکر شده توانست علت واقعی فوت را مشخص کند، می‌تواند برای متوفی جواز دفن صادر کند. در برخی موارد نیز، علی‌رغم مدت زمان طولانی بستری بیمار و انجام کلیه اقدامات تشخیصی و درمانی، بیماری و علت فوت مشخص نمی‌شود لذا در این شرایط پزشک نباید جواز دفن صادر کند.

علل توجه زیاد قانونگذار به شرایط صدور جواز دفن؛

۱- جنایتی از نظر قانون مخفی نماند و حق مظلومی پایمال نشود؛
۲- جلوگیری از ایجاد اختلال در امر رسیدگی به شکایات مربوط به مرگ افراد در مراجع قضایی؛

۳- ایجاد احساس ناامنی برای جانیان و در نتیجه تضمین امنیت جامعه؛

۴- جلوگیری از نیاز به نبش قبر جهت انجام بررسی‌های تکمیلی قانونی؛

۵- پاسخگویی به شرکت‌های بیمه در مورد علت مرگ که ممکن است به بازماندگان متوفی حق بیمه پرداخت شود؛

۶- برقراری مستمری از طرف دولت به بازماندگان؛

۷- حمایت از پزشکان و کادر درمانی در صورت طرح شکایت در زمینه فوت بیمار.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که پزشکان و کادر درمانی مسئول، نباید از انجام اتوپسی قانونی نگران باشند بلکه این امر سبب ایجاد احساس امنیت شعلی می‌شود زیرا پاسخ کالبدگشایی و آزمایشگاه آسیب‌شناسی و سم‌شناسی در بسیاری از موارد یکی از مدارک مستندی است که در دفاعیات پزشکی به آن‌ها کمک می‌کند.

به طور خلاصه پزشک در صورتی می‌تواند جواز دفن صادر کند که:

۱- متوفی بیمار او بوده و پزشک کاملاً در جریان بیماری وی باشد و یا اگر پزشک، متوفی را نمی‌شناسد با بررسی دقیق مدارک بیمار، معاینه دقیق جسد و سایر اقدامات لازم بتواند به تشخیص صحیح و واقعی علت فوت برسد؛

۲- علت مرگ کاملاً مشخص بوده و این علت در رابطه با بیماری وی باشد؛

۳- احتمال هیچ جرم و جنایتی در فوت وی وجود نداشته باشد؛

۴- علت مرگ یک عامل طبیعی یا بیماری باشد و حادثه در مرگ متوفی دخیل نباشد؛

۵- خانواده متوفی هیچگونه شکایتی نسبت به فوت وی نداشته باشند؛

۶- جسد یا اطمینان احراز هویت شده باشد.

۷- جسد به طور کامل معاینه شود و از نظر آثار ضربه، خفگی، شکستگی، چاقو خوردگی یا گلوله خوردگی و غیره بررسی شود.

امید است پزشکان محترم موارد مجازی را که قادر به صدور جواز دفن می‌باشند، به‌دقت رعایت کرده و از ارسال اجساد به سازمان پزشکی قانونی در مواردی که ضرورت ندارد، خودداری نمایند. به‌علاوه، در موارد منع شده نیز از صدور جواز دفن اجتناب کنند.

لطفاً به این مقاله از ۱ تا ۲۰ امتیاز دهید و به شماره پیامک محله (۳۰۰۰۷۸۳۸) ارسال فرمایید.

کد مقاله: ۷۵۰۵ نحوه امتیازدهی: امتیاز- شماره مقاله